

مدیر عامل انجمن هنر های تجسمی انقلاب و دفاع مقدس گفت: بنا داریم تا تندیس شایسته و فاخری را برای پاسداشت شهید حججی طراحی و اجرا کنیم، به گزارش فارس، مسعود نجابتی با اعلام آمادگی این انجمن برای طراحی تندیسى به یاد این شهید مدافع حرم، گفت: با استفاده از ظرفیت های موجود در مجموعه هنر انقلاب و نیز استادان هنر های تجسمی بنا داریم تا تندیس شایسته و فاخری را برای پاسداشت شهید حججی طراحی و اجرا کنیم.

نگاه‌ان شعر

برای شهید محسن حججی

علیرضا فروزه

تو شیر شز زه‌ای از بیشه‌ات برون شده‌ای
چنین که، رهسپر وادی جنون شده‌ای
تو کیستی؟ به بل آمل‌بین! گل خونین!
سر بریده خورشید غرق خون شده‌ای
سر تو را به سر نی ز دند مثل حسین (ع)
چه اعتبار و چه حیثیت فزون شده‌ای
نماد غیرت ایران! سیلواش ایمان!
شکیب زینبی و صبر آزمون شده‌ای
کدام منطق و شعر از تو می‌تواند گفت؟
هزار بغض مرا میر از غنون شده‌ای
به نام اریلت توحید هرزه می‌لافت
سیاه بیری پوسیده نگوون شده‌ای
سر تو را به طبق می‌برد به نزد بیزید
گناه زاده هوس باره ز بون شده‌ای
ستاره دور سرت گریه می‌کند هر شب
شهاب ثاقب و خورشید بی سکون شده‌ای
سرت سلامت! اگر سر نمادند روی تنت
تو را ز گمشده‌ان عقیق خون شده‌ای

محسن ناصحی

خوش‌ان مسافر که منزل ندارد
که دل دار دیوایی در گل ندارد
رسیدن، به عشق است آری، که گفته است؟
که عاشق شدن کار با دل ندارد
رسیدن چه زن دیک و ماندن چه دور است
و این راه جز عشق، حاصل ندارد
شهیدان همان جاده‌ای را گذشتند
که جز راست یک دور باطل ندارد
به دریا رسیدن نصب شهیدی است
که دل‌بستگی زنده ساحل ندارد
خوش‌ان شهیدی که گمنام ماندو
ردی در میان مقاتل ندارد
خوش‌ان شهیدی که هنگام رفتن
به دل ترسی از خشم قاتل ندارد
سرش را بریدند و در زیر لب گفت
فدای سرت، عش که قابل ندارد
من از کربلا با توام حضرت عشق!
بفر ما بپیم ۱ لنگو دل ندارد
بفر ما بپیم ر بفر ما بسوزم
چه آتش چه شمشیر، مشکل ندارد

غلامرضا غلامپور دهسرخی

تا کی به امید این و آن، بر خیزیم
باید که به کف گرفته جان بر خیزیم
صدا حججی برای این دین سر دادند
تا ما و تو از خواب گران بر خیزیم

عارف دهقانی

عشق است چنین لاله پرده دادن!
درواه شش، علی اکبر دادن!
آقا! سر و دل فدایی زینبتان!
دل‌داده شدن خوش است با سر دادن!

پیمان طالبی

ای تیغ! استخاره مکن! آید دیده شو
ای تن! ارجحه دار شو! ای سر! بریده شو!
یک بار هم شده بز ن سینه ام برون!
فریادی صدادی من! آنگ شنیده شو

از بین دل‌بران به جلوت در آمده

ای دل بیبا و عاشق یار ندیده شو!

گر باتو دعوی غم ام‌المصائب است

چون تیغ منحنی شمشین، خمیده شو

خاکِ اگر، به رشته تسبیح در بیا

گر قطر ه‌ای، ز آب وضویی چکیده شو

با مرگ چیزی عاید انسان نمی‌شود

این راه بهتر است: شهید عقیده شو!

پروانه را در تن پيله نهان شدی

بر دست ها شهید من! این بار دیده شو

ای شعر! اگر حدیث تو مضمون چشم‌اوست

بیخود نگبر وقت غزل را، قصیده شو!

علی داوودی

کی از تهدید می‌رسیم و از تحریم می‌میریم
بکش مارا که با هر مرگ جانی تازه می‌گیریم
هوای کربلا با ماست با هر شور عاشورا است
سر جاری شدن داریم اگر اشکی سرازیریم

محمد مهدی سیار

یک عمر فقط از تودشان بر سپیدم
شیرینی نام تو را بپوسیدم
یک عمری نام تو کلوم‌زار د
من شهد شهادت این چنین نوشیدم

بهروز قربلایش

در آغوش نفس خون می‌کنم امواج دریا را
جهان در آب چون یاقوت گیر داتش مارا
فدای امارت‌میت احسین این سر که قابل نیست
چراغان می‌کنم با سرخی خون دشت و صحرا را
نمی‌ارزد جهان جز آن که گیرم از تومنیایی
نمی‌خواهم شراری بی‌تو از مینوی معنا را
در این خاکستر از ققنوس ما، پرواز می‌سوزد
به دوش یادداشت می‌برید این بار دنیا را
مجال دیگری دار درمین تاباز بر خیزد
محررم می‌رسد، عباس! علم دار است هیجارا
جهان فانی است الاوجه ربی، من یقین دارم
که خط هستی از ما می‌نویسد سطر اعلی‌را
حرم امن است و ما فرزند خاک نینوا ماندیم
چه غم گر بشکند دشمن، سر آینه‌ما را



نگاهی به مجموعه شعر «آیه ۸۸» از استاد غفورزاده شفق

چشم انداز شعر رضوی



دکتر محمدرضا سنگری

مدیحه رضوی در ایران از همان سال ۲۰۱ هجری که ورود حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به ایران است، آغاز می‌شود و شاعرانی بزرگ چون دعبل خزاعی، ابونواس، علی بن عبدا... خوافی، ابن حجاج، صاحب بن عباد، ابوالحسن علی بن عیسی اربلی در سروده‌های رضوی خویش به عظمت امام، تأثیر امام در روشنگری، بیداری و سواگری ستم و سرانجام شهادت مظلومانه و غیره‌های اشاره می‌کنند.

امادربزبان فارسی، نخستن قصیده‌رضوی از سنایی غزوی، شاعر قرن ششم است. این سروده گواه‌ان است که در آن روزگار، بارگاه حرم رضوی آبادوزیار نگاه‌انرا ن فراوان بوده است که از گوشه و کنار به زیارت آن می‌شتافته‌اند. این قصیده معلوم می‌دارد که کر امارت رضوی، حرم‌وی را مأمّن و ملجأ و پناه مر دمی ساخته که از بیابان هاوروستاهای دور به زیارت می‌آمده‌اند.

دین را حرمی است در خرسان / دشوار تو را به محشر، آسان...

از این قدیم‌ترین قصیده‌رضوی موجود در شعر فارسی می‌توان دریافت که عنوان «غریب» در آن روزگار نیز برای حضرت رضا علیه‌السلام به کار می‌رفته است، و چه غریب بودن امام از آن جهت است که در هنگام شهادت، امام دور از وطن (مدینه) زندگی می‌کرد و تنها امامی است که در هنگام شهادت، هیچ‌یک از خانواده و خویشاوندان در کنار او نبودند.

بعد از سنایی غزوی، مشهورترین شاعری که به ستایش حضرت رضا علیه‌السلام توصیف خراسان پرداخته، محمدبن حسام‌الدین، مشهور به ابن حسام خوسفی (۸۷۵-۷۸۲ق) است) که سه قرن بعد از حکیم غزوی، پس از ابیات توصیفی آغازین، گریزی به مشهد و توس و بارگاه رضوی می‌زند و برای محبوب و ممدوح خود این گونه از حرم‌بارگاه رضوی استمداد می‌طلبد:

... چو جان درازی سرتو از خدا خوارم / روم به قیله حاجت روای اهل زَمَن از خود قدرن دهم به بعد قصدایم رانی و مدایح رضوی چنان گسترش و کثرت می‌یابد که کمتر دیوانی می‌توان یافت که در آن، نشانی از شعر رضوی نباشد؛ حتی شاعران اهل تستن پس از زیارت بارگاه رضوی، قصایدی غزا و شیوامی‌سرایند که نشان شیفتگی و دلدادگی و ارداد آن‌ان به این جایگاه و منزل‌گاه عاشقان و باورمندان است.

و مشهورتر ک‌این سروده‌ها در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱- عمده‌دار قالب قصیده‌اند و پس از قصیده، ترکیب‌بند، مهم‌ترین قالب شعری رضوی است. ۲- به کرامات، گره کشایی‌ها و شفاعت‌بخشی‌های حضرت رضا علیه‌السلام اشاره دارد. ۳- ارداد و تجلیل و تکریم در سروده‌ها موج می‌زند.

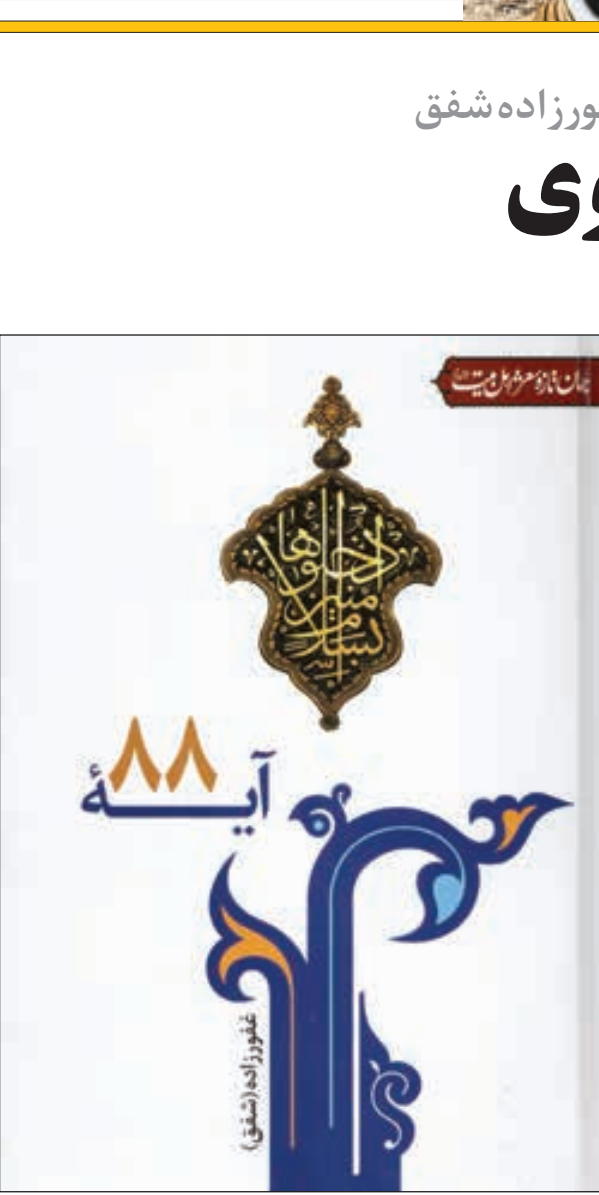
۴- به شهادت حضرت رضا علیه‌السلام با انگور به زهر آمیخته اشاره دارد.

۵- غربت حضرت از مهم‌ترین مضامین این سروده‌ها است.

۶- التجا، استغاثه و پناه‌جویی شاعر و مردم در دند، گاه در آغاز و گاه در پایان و گاه تنیده در تاروپود سروده‌است. ۷- به هجواری قاتل و مقتول (مامون و حضرت رضا علیه‌السلام) اشاره دارد. ۸- اشتیاق به زیارت مجدد و مکرر در سروده‌ها هست. در قرن اخیر شعر رضوی چنان اعتلا و عمق و گسترش می‌یابد که اگر آن سروده‌ها را جمع‌آوری کنیم، به چندین مجلد می‌رسد. شاعرانی چون صابر همدانی (۱۳۳۵ ش)، بدیع‌الزمان فروزانفر (۱۳۴۹ ش)، صغیر اسفهانلی (۱۳۴۹ ش)، احمد ناظرزاده کرمانی (۱۳۵۵ ش)، قاسم‌سار (۱۳۵۶ ش)، امیری فیروز کوهی (۱۳۶۳ ش) و ریاضی‌پز (۱۳۶۲ ش) اندکی از خیل شاعرانی هستند که مدیحه‌گوی و مقبیت‌سرای رضوی به‌شمار می‌آیند. در عصر انقلاب تنه‌ها شعر رضوی به‌فضاهایی تازه قدم می‌گذارد که برخی شاعران، مجموعه شعر مستقل در رضوی به چاپ می‌رسانند. این مجموعه‌ها در قالب‌های گوناگون چون غزل، رباعی و دیوانی، سپید، نیمایی، قصیده و چهارپاره است. برخی از شاعران عصر انقلاب که دقت‌ر مجموعه مستقل شعر رضوی به چاپ‌رسانده‌اند، عبارت‌اند از: رضا اسماعیلی، حمیدرضا شاکر س‌ری، صالح کاشانی و... در این میان شاعران خراسان نیز سروده‌های فراوان و قابل‌اعتنایی داشته‌اند. یکی از شاعران شاخص رضوی سر ا، استاد محمدجواد غفورزاده (شفیق) است که بی‌هیچ تردیدی راز از استوانه‌های شعر آیینی‌و از تأثیرگذارترین شاعران در این عرصه‌باید قلمداد کرد. پیش از این بخشی از همین سروده‌ها در دفتر ی با عنوان «پنجره فولاد» در هشت فصل و در قالب‌های غزل و رباعی به چاپ رسیده‌بود. (انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶، ۷۵۰ صفحه) و اینک همان مجموعه با افزودن سروده‌های تازه در حوزه سوگ و سور و مدیحه و در قالب‌های متنوع تر کلاسیک، گرمای دستان مهربان ارادتمندان و شیفنگاران را خواهد بخشید. این مجموعه ارجمند و بدیع و روح‌نواز، و اوجد ابعاد و حائز ویژگی‌هایی است که آن را امتاز و متمایز می‌سازد.

تندیس شهید حججی

ساخته می‌شود



استادشفق در این مجموعه به‌همان زبان روان، ساده، زیبا، تأثیرگذار و صمیمی افق‌های تازه‌ای فراوری شعر رضوی گشوده‌است. برای شناخت دقیق‌تر ابعاد این سروده‌ها به مضامین پرکاربرد آن اشارتی کوتاه‌بایسته‌است.

مضامین پر کاربرد

در شعر استادشفق، هر ساز و هویدیده‌ای می‌تواند مضمون ساز و مضمون آفرین باشد. دست‌مایه‌های عمده در خلق مضامین شعری رضوی استادعبارت‌اند از:

۱- پنجره فولاد

این نقطه شگفت، از آشناترین کانون‌های شیفتگی و دلدادگی عاشقان است. در حرم رضوی، پنجره فولاد، عروۀ‌الوقتی و حبل‌متین در دمندان، حاجتمندان، استغاثه‌گران و مشتاقان است. نقطه هیوط اشک و معراج‌آه و مفتح مشکلات است و همین‌است که اثرآن عاشقانه‌و ضاعنه‌ای جنگ در حلقه‌های این پنجره می‌زنند و حاجت می‌طلبد. این پنجره فولاد پر از بارترین مضامین شعری استادشفق است. شاید هیچ‌مضمونی این همه در سروده‌های استاد حضور نیافته‌باشد. نمونه‌های فراوانی در این مجموعه می‌توان یافت که هنرمندانه‌و شاعرانه‌با پنجره فولاد مضمون آفرینی شده‌است.

دل را نظر لطف‌توبی تاب‌کند
مس را به خدا، تلک‌اند، ناب‌کند
اشکم که چکیدشت این «پنجره» گفت
«فولاد» که دید، در در آب‌کند!
عناصر درون حرم مانند فرش، کیوتر، خادم حرم، ضریح، گنبد، گلدسته، باب الجواد، آینه‌ها، سقاخانه، صحن‌های چندگانه، همه و همه ذهن زایا و پویا و مضمون‌پرداز شاعر را برای خلق ایماژها و تصاویر شاعرانه‌بر می‌انگیزد و گاه‌شبکه‌های مراعات‌نظیر شکوه‌مندی را سبب می‌شود.

و در غزل‌مثنوی زیبایی که برپیشانی‌ان نوشته‌شده‌است «روفتن ازادارالمرحمه تقدیم‌آستان قدس رضوی شده‌است» مجموعه‌ای از عناصر درون حرم‌با پیوسته به حرم مطرح‌شده‌است:

ای تجلای صریح آفتاب

که در امتداد وادامه این غزل مثنوی تمام‌صحن‌ها و بخش‌های حرم رضوی بیان می‌شود.

۲- مضامین رباعی و زیارت‌نامه‌ای و قرآنی

از عناصر مضمون آفرین دیگر در شعر رضوی استادشفق باید از روایات و نصوص گوناگونی سخن گفت که جان‌مایه خلق و آفرینش سروده‌ها یا شبکه‌های شگفت ذهنی می‌شوند. روایاتی که از منابع معتبر چون اقبال سیدبن طووس برگرفته

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

ادبیات و هنر

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱

۱۱